

قصه‌های شهر

مرغ عروسی و عزای شورایاری



گیتی صفرزاده

● چندوقت پیش همین‌جا مطلبی نوشتم و ضمن نام‌بردن و یادکردن از محترم‌خانم و آقا موسیو، دو عزیز ریش‌سفید محله‌های قبلی سکونتم که به رتق‌ووقتِ امور محله می‌پرداختند، اشاره‌ای کردم که شورایاری قرار است در محلات همین کار را بکند. آن‌وقت طوری که به در بگویم دیوار بشنود، گوشی را دست خوانندگان دادم که اگر دل‌تان برای محله می‌سوزد یا حداقل بدتان نمی‌آید مشکل کوچیه‌تان حل شود، یک پرس‌وجویی درباره شورایاری محلات بکنید. ته دلم هم امیدوار بودم از این گروه حداقل به اندازه انگشتان یک دست چندنفری شیرمرد و شیرزن داوطلب برای شورایاری محله پیدا شوند. البته برای اینکه خودم هم واعظ غیرمتعظ نشوم، سرکی در محله‌مان کشیدم و ضمن آشنایی با شورایاران محترم محله و سیاس و دریغ از کارهای کرده و نگرده‌شان، چند نفری از اهل محل را هم برای شرکت در دوره جدید شورایاری تشویق کردم (حالا بلافاصله نپرسید که پس خودت چی؟ داوطلب شدی؟ نشدی؟ چرا نشدی؟ حق بدیده که آدم همه مشکلات و مسائل زندگی شخصی‌اش را نمی‌تواند داخل ستون روزنامه جار بزند، ولو خیلی هم بی‌شلیله‌بیله و اهل کنش اجتماعی به نظر بیاید!) البته داوطلبان را با این‌س جملات مجاب می‌کردم که این ماجرا والا نه تеш به سیاست ربط دارد، نه سرش، نه قرار است از بالا چیزی دیکته شود، نه منصوبی است، جمعی از فعالان و دلسوزان هر محله قرار است انتخاب شوند تا ببینند مشکلات محله‌شان چیست و آن را حل کنند؛ مشکلاتی کاملاً اجتماعی و تا حدودی هم فرهنگی. در حال گویش همین جملات تشویقی و هل‌دادنی بودم که اساسنامه جدید شورایاری‌ها بیرون آمد و معلوم شد طبق اساسنامه جدید، شورایاران هیچ کاری نمی‌توانند بکنند جز اینکه خیلی محترمانه مشکلات محله‌شان را روی کاغذ بنویسند و با سری نیمه‌افراشته تحویل مراجع ذی‌صلاح بدهند تا به مدد فضل الهی توجهی به آن بشود. آتهایی که به زور داوطلبشان کرده بودم درآمدند که بفرما، می‌خواهی ما را مرغ عروسی و عزرا بکنی؟ از یک طرف به اهل محله قول بدهیم ما را انتخاب کنید تا مشکلاتتان را حل کنیم، از طرف دیگر دستان ما به جایی بند نباشد؟ از آنجا که هر کنشگر اجتماعی (ولو به اندازه من نیم‌بند) به خود اجازه دیدن نیمه خالی لیوان را نمی‌دهد و معتقد است که باید آن قدر مقاومت کرد تا با لیوان کاملاً پر شود یا به‌کل بشکند بروی پی کارش، به این عزیزان دل برادر و خواهر گفتم که دل قوی دارند، مهم این است که وارد شورایاری شوند و فریاد خاموش مطالبات هم‌محله‌ای‌ها باشند، حتما در طی زمان می‌توانند کار را از پیشنهاددهنده صرف به عمل‌گرایی تبدیل کنند و باعث شوند شورایاری جایگاه و معنای واقعی خودش را پیدا کند.

تازه افسوس زبانم اثر کرده و دل داوطلبان را نرم و آماده حضور در انتخابات شورایاری در روز چهارم مردادماه پیش‌رو کرده بودم که خبر رسید رئیس بازرسی کل کشور در نامه‌ای به سران سه قوه اعلام کرده که این انتخابات غیرقانونی است و تا وضع مبانی قانونی، باید از برگزاری آن جلوگیری شود. لایذ می‌رسید حالا در چه حالی هستم؟ راستش به‌شدت در حال مطالعه‌ام تا ببینم مبانی قانونی که برای مو از ماست بیرون‌کشیدن محترم‌خانم‌ها و آقاموسیوها لازم است، دقیقاً چه هستند، چون یک کنشگر اجتماعی هرگز از یا نمی‌شنید، ولو مثل من از خجالت رویه‌روشدن با دوستان داوطلب، تحقیقاتش را در پستوی منزل انجام دهد!

اتفاق



● این روزها رکورد تأسف‌آوری شکسته شده است؛ رکوردی که هرگز نباید شکسته می‌شد. لظفهای مکث کنید و به این نکته توجه کنید که در پایان سال ۲۰۱۸، بیش از ۷۰ میلیون نفر مجبور شدند از خانه‌های خود فرار کنند. برای بهبود وضیت مهاجران تلاش‌هایی صورت می‌گیرد؛ از جمله سایت کمیساریای عالی پناهندگان عکس‌هایی را با متن‌های کوتاه منتشر کرده است تا درباره این مسائل آگاهی‌بخشی کند: هرکس حق زندگی و حق آزادی دارد هر کس حق راهی از ترس دارد هر کس حق دارد که از سر آزار و اذیت بتواند مهاجرت کند، یا در دیگری نوشته شده است: انسان مثل یک درخت است. هنگامی که شما در محیط بد زندگی می‌کنید، خود و اندیشه‌هایتان را محدود می‌کنید. اما در زمین خوب، شما شکوفا می‌شوید.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۸ ۱۵ ذی‌القعده ۱۴۴۰ ۱۸ جولای ۲۰۱۹ سال شانزدهم شماره ۳۴۷۸ = ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ اذان مغرب ۲۰:۴۰ اذان صبح فردا ۴:۲۱ طلوع آفتاب ۵:۰۲

روزنفرها

کارتون خواب

دینو



آکادمی

عبور تابستانه ماه از سایه زمین

از ماه‌گرفتگی ۲۵ و ۲۶ مرداد بیشتر بدانیم



رضا ماه‌منظر
منجم و مروج علم

نیمه‌شب بیست‌ونجم و بامداد بیست‌وششم تیرماه، ساکنان سراسر کشور شاهد تغییررنگ ماه در آسمان بودند. هم‌وطنان سراسر ایران در ساعت ۲۳:۱۳ شاهد آغاز ماه‌گرفتگی جزئی بودند. این پدیده زمانی روی می‌دهد که ماه از درون مخروط سایه زمین در فضا می‌گذرد. در نتیجه زمین مانع رسیدن نور مستقیم خورشید به سطح ماه شده و ماه تیره‌رنگ دیده می‌شود. بسته به میزان نفوذ ماه به عمق سایه زمین، میزان تیرگی متفاوت خواهد بود و در این پدیده ماه تا حدود ۶۷ درصد تیره شد. به بیان ساده، ماه تنها از قسمتی از سایه زمین عبور می‌کند و نه از مرکز آن. به همین دلیل، تمامی سطح ماه تیره‌رنگ نشد و بخشی از آن تاریک شد.

از سوی دیگر، شکست نور خورشید در جو زمین و شکست طیف قرمز نور خورشید در مرکز مخروط نیمسایه باعث به‌وجودآمدن سایه کامل می‌شود. ماه در زمان اوج گرفت و به هنگام ورود به سایه کامل به دلیل شکست نور در جو زمین به رنگ سرخ دیده می‌شود، از این‌رو در زمان اوج‌گرفت بخشی از ماه قرمزرنگ خواهد شد. شاید همین تغییررنگ‌ها در هنگام ماه‌گرفتگی منشأ بسیاری از تصورات و خرافات غیرعلمی درباره ماه‌گرفتگی باشد. باین‌حال به جز عکاسان آسمان شب و منجمان، زندگی روزمره کسی مختل نمی‌شود! البته در ماه‌گرفتگی گذشته، به جز تهران و نوار ساحلی شمال کشور، تقریباً همه مناطق ایران هوای صاف و مطلوبی را برای رصد داشتند و به جز تهران که هوا با چند قطره باران هم تلطیف شد، بقیه نقاط کشور از مشاهده مراحل آخرین ماه‌گرفتگی شدید قرن لذت بردند. منجمان آماتور در شهرستان‌های مختلفی همچون اصفهان، تبریز، لرستان، اردبیل، همدان، قم و حتی مناطق ساحلی جنوب کشور به کمک تلسکوپ و حتی کاهی بدون آن از مشاهده این پدیده نادر لذت بردند.



مراحل گرفت

وحید شقاقیشهری

اقتصاددان

هیچ کشوری نمی‌تواند در مقابل «موج سوم» مقاومت کند. این «موج سوم» عبارت است از اقتصاد دانش‌بنیان. همچنان که می‌دانید، در دنیا به طور کلی سه موج داشته‌ایم؛ موج اول کشاورزی بود و موج دوم صنعت و اکنون به موج سوم یا همان موج دانش رسیده‌ایم. موج صنعت ۳۰۰ سال بر بشر حاکم شده بود و در حال حاضر همین موج را در کشور داریم اما اکنون در حال ورود به موج سوم، یعنی موج دانش هستیم. نمود این موج اقتصاد دانش‌بنیان، همین اپلیکیشن‌هایی است که این روزها باب می‌شود.

در دنیایی که می‌خواهد از موج دوم – یعنی صنعت- به سمت موج سوم –یعنی دانش- برود، همیشه مقاومت وجود دارد. همیشه بین مؤلفه‌های موج دوم و مؤلفه‌های موج سوم جنگ و جدال و تضاد وجود دارد. مقاومت در مقابل موج‌های آینده حتما وجود خواهد داشت و مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی و حتی مسائل سیاسی برای این موج‌های آینده ایجاد خواهد شد. وقتی قرار باشد حمله‌ای به یک موج صورت گیرد، همیشه این حمله از بعد اقتصادی نخواهد بود و از ابعاد مختلف برای محکوم‌کردن موج آینده به آن هجوم خواهند برد. مثلاً در مقابل اپلیکیشن تاکسی‌های اینترنتی که نمودی از موج دانش است، تاکسی‌دارها مقاومت می‌کنند. البته این فقط یک مثال است و در سایر حوزه‌ها نیز با همین مسئله روبه‌رو هستیم.

اما به هر حال، پیروزی همیشه با موج آخر است که در اینجا یعنی موج سوم، هرگز امواج

سلام به فردا

پیروزی موج سوم



وحید شقاقیشهری

گذشته نمی‌توانند در مقابل امواج آینده مقاومت کنند و تکنولوژی بُردار پرقدرتی است که قطعا موج دوم را خواهد شکست. هر چقدر هم که ما در مقابل کسب‌وکارهای دانش‌پایه مقاومت کنیم، فقط فرصت‌ها را از دست می‌دهیم چون در پایان، در مقابله با موج دوم پیروزی با اقتصاد دانش‌بنیان و با موج سوم خواهد بود. البته این را نیز باید در نظر گرفت که موج دوم، موج بسیار پرقدرتی است زیرا ذی‌نفعان بزرگی دارد و این ذی‌نفعان بزرگ از زوایای مختلف بر موج سوم حمله می‌کنند. ولی در پایان، بدون تردید پیروزی همیشه با امواج رو به جلو خواهد بود. در تاریخ هرگز موردی را سراغ ندارم که موج‌های گذشته توانسته باشند بر موج‌های آینده پیروز شوند و در نهایت، در نبرد بین موج دانش و موج صنعت، پیروزی با موج دانش خواهد بود.

در مجموع این دعوا بین موج دوم با موج سوم در عمل شروع شده و استارت‌پا‌ها نیز جزء موج سوم هستند که در اینجا دعوای اصلی بین تکنولوژی دانش‌بنیان با تکنولوژی صنعت خواهد بود که در کشور ما نیز در عمل شاهد به‌هم‌خوردن یا تصادم موج دوم و سوم در حوزه‌های مختلف هستیم.

تکنولوژی بُردار پرقدرتی دارد و پیروزی از آن موج دانش‌بنیان است و هر چقدر دیرتر به سمتش برویم، زمان و فرصت‌ها را از دست داده‌ایم و هر چقدر دیرتر حرکت کنیم، هزینه‌هایش بسیار است. در اینجا حاشیه‌هایی شکل خواهد گرفت که در نهایت باید در برابر موج دانش تسلیم شویم. هر چه دیرتر به سمتش برویم، این به ضرر رفاه ملت و رفاه عمومی است و اگر زودتر به سمتش برویم و زیرساخت‌ها و فرایندهایش را بپذیریم، این مسئله نیز در کشور ایران پیاده خواهد شد و اگر غیر از این باشد، پیشرفت در اقتصاد کندتر خواهد شد.

تحلیل

حضور جریان‌ساز در فضای مجازی

کسیل داشته‌اند. آنها بالاخره به این تشخیص رسیدند که تحولات جهانی بر محور «رسانه» شکل گرفته و می‌گردد و این موجود زنده و پویا، نقشی فراتر از واسطه عینی و عملی در برقراری جریان ارتباط و پیام‌رسانی به مخاطب بر عهده دارد؛ نقشی که با پیدایش رسانه‌های نوین، فناوری‌های عصر جدید و گسترش روافزون آنها، آسان‌تر از گذشته می‌تواند افکار عمومی را مدیریت و اهداف و وظایف از پیش تعریف‌شده را محقق کند.

نوعی فرصت‌شناسی و موقعیت‌سنجی که نشان‌دهنده ادعان آنان به قدرت رسانه و اثربخشی فضای مجازی است، اما متأسفانه برخی در داخل کشور، همچنان فضای مجازی را برای جان‌شیریت و تهدید بزرگی برای ملت می‌دانند؛ و با وجود سخنان مکرر مقام معظم رهبری مبنی بر تأکید بر «حضور جریان‌ساز در فضای مجازی» و بهره‌برداری از آن به عنوان «ابزار مقابله با دشمن»، همچنان برنامه‌های اجرایی و عملیاتی، اثربخش و فراگیر در این حوزه تدوین نشده است. فقدان فرهنگ‌سازی و برنامه‌ریزی داخلی به منظور حضور مؤثر و آزاد در فضای مجازی و درج‌ازد آن یک سبو و برنامه‌محوری جریان‌های برون‌مرزی در این عرصه و پیش‌روی آنها از سویی دیگر، راهی جز تأکید بر لزوم ایجاد محدودیت‌های بیش‌ازپیش در فضای سایبر را فراروی برخی از مدیران نگذاشته است؛ راهی که می‌توان سخنان اخیر رئیس صدا و سیمایا را به منزله تأیید تهیه‌ای به منظور زمینه‌سازی این اقدام تلقی کرد: «۸۰ درصد محتوای فضای مجازی مستهجن است!» و موضع‌گیری ابوالحسن فیروزآبادی، دبیر شورای عالی فضای مجازی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی ایران، علیه استفاده از سایت جست‌وجوگر «گوگل» را هم آغازی برای اعمال این محدودیت‌ها و پیراهنای ساخته و پرداخته همین بی‌برنامگی‌ها و سرگشتگی‌ها که باعث شده است از مسیر آن، همان نفوذی‌های پوشش‌دار و برانداز، هر از گاهی جامعه جهانی و ما را در فضای مجازی به ناکجاآباد ببرند! دگرگونی شیوه‌های اطلاع‌رسانی و به تبع آن، تحولات سیاسی روز دنیا با بهره‌گیری از فضای مجازی (مانند تپه‌ار عربی در منطقه خاورمیانه)، خط بطلانی بر سلخنتگی و روزمرگی در این حوزه خصوصاً نگرش محدودیت‌محور است؛ نگرشی که هنوز بعد از ۴۰ سال به این ازمان و آرزوی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی باور عمیقی ندارد تا برای عملیاتی‌شدن آن برنامه‌ریزی منظم و دقیقی انجام دهد: «امیدواریم بشر به رشدی برسد که مسلسل‌ها را به قلم تبدیل کند».



درحال حاضر ۲۶ میلیون نفر در جهان پناهنده هستند. یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از آنان نیازی به‌ظاهر ساده دارند؛ نیاز به سرپناه، جایی و مکانی برای زندگی. تعداد پناه‌جویان سراسر دنیا به‌شدت افزایش یافته است. کودکان، زنان و مردانی هستند که آواره هستند. آنان به دنبال کار، دانش و فرصت زندگی هستند.

یادداشت

واقعیتی که زیسته‌ایم



لیلی گلستان

تعریف یک واقعیت، راست و پوست‌کنده، بدون نوستالژی‌بازی‌های متداول و بدون قهرمان‌نمایی‌های مرسوم، بدون هیچ حاشیه‌ای واقعیت‌هایی را که در عالم مطبوعات بر ما گذشته نشانمان می‌دهد، واقعیتی که همه ما تجربه‌اش کرده‌ایم، واقعیتی را نشانمان می‌دهد که زیسته‌ایم و فراموش هم نکرده‌ایم. با این فیلم مرورش می‌کنیم و دلمان به درد می‌آید و چشمانمان تر می‌شود. چشمانمان تر می‌شود وقتی شمس‌الواعظین می‌گوید اغلب خواب تحریریه را می‌بینم، نه آن استخر پر از مرغابی و اردک را می‌خواهیم و نه پلکی و سرسبزی آن باغ را، همدان او را در دفتر تحریریه‌اش می‌خواهیم. فیلم با یک عکس دسته‌جمعی شروع می‌شود؛ عکسی از تمام کارکنان یک روزنامه سال‌ها پیش توقیف‌شده. مینا اکبری تصمیم می‌گیرد برود به دنبال آدم‌های توی عکس که حالا کجا هستند و دارند چه می‌کنند، یکی باغدار شده، یکی کافه‌دار شده، خیلی‌هایشان مهاجرت کرده و رفته‌اند و یکی دیگر بازیگر شده، به قول سیروس علی‌نژاد: «... این‌بار دوربین به‌دست روزنامه‌نگاری می‌کند و شگفتا که دوربینش کاری‌تر از قلمش درآمده است». حرف اصلی و نهایی را نیشوا تولکلیان عکاس می‌گوید، وقتی اکبری از او می‌پرسد اگر بخواهی روی این عکس کار کنی، چکارش می‌کنی؟ و نیشوا می‌گوید به‌جای صورت آدم‌های توی عکس یک دایره می‌گذارم، چون شخص مهم نیست، مهم این است که آدم‌ها جابه‌جا می‌شوند و جایشان را به کس دیگری می‌دهند، اما تمام نمی‌شوند، همیشه هستند، هستند، هستیم، هستیم، هستیم، هستیم.



صادق صدقگو
دکترای مدیریت رسانه

ابراهیم خداینده، عضو سابق منافقین، در مستند ترور سرچشمه (بازخوانی حادثه ترور شهید بهشتی به کارگردانی محمدحسین مهدویان) با اشاره به سخنان رجوی مبنی بر فرستادن نفوذی به دستگاه‌ها و ارگان‌های مختلف (در سال‌های نخست پیروزی انقلاب) می‌گوید: «نفوذی‌های ما هر جا که توانستند تأثیر گذاشتند مثل دفتر رئیس جمهور بنی‌صدر و هر جا که نتوانستند تأثیر بگذارند منفرج کردند مثل دفتر حزب جمهوری» و «سازمان به‌شدت بنی‌صدر را از دکتر بهشتی می‌ترساند و فوپیایی در بنی‌صدر ایجاد کرده بود که به‌شدت از بهشتی وحشت داشت». سازمان منافقین در حال حاضر نه توان اقدام مؤثر نظامی (تروریستی) در داخل کشور دارد و نه می‌تواند افرادی مؤثر را به صورت نفوذی در سیستم اداری و اجرایی کشور بگمارد، اما با وجود اینکه ریشه‌های حضور فیزیکی‌شان در داخل کشور قطع شده است، سعی دارد همچنان بر فضای سیاسی و تحولات داخلی ایران اثرگذار باشد و بر این مینا، برای رسیدن به اهداف شوم خود از هیچ تلاش خیانت‌آمیزی فروگذار نمی‌کند؛ اهدافی که همچون گذشته، بر محور تبدیل فضای مفاهیم و گفت‌وگو به مشاجره و مجادله پیگیری و در این راستا «رسانه» و «فضای مجازی» در دسترس‌ترین ابزار برای آنها محسوب می‌شود. انتشار تصاویری از کمپ سازمان در کشور آلبانی و فعالیت عوامل آنان در قالب یگان‌های سایبری، مؤید آن است که اعضای این گروهک تروریستی، تحرکات خویش را به گونه دیگری سامان بخشیده‌اند؛ تحرکاتی که یکی از آنها ایجاد «حساب کاربری» با اسامی اشخاص غیرواقعی و فعالیت گسترده در فضای مجازی است. برای مثال، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در سال ۲۰۱۸ در تکاپوی خروج از برجام و به دنبال راهی برای غلبه بر فشارهای مخالفان خود بود. کاخ سفید مدعی شده بود توافق هسته‌ای موجب افزایش بودجه نظامی ایران شده است. سائزادور ریو و مک کلی، خبرنگاران روزنامه واشنگتن‌پست، از کاخ سفید درخواست کردند مدرکی برای این ادعای خود ارائه کند و مقامات آمریکا در پاسخ، به مقاله‌ای در سایت فوربز استناد کردند که از سوی شخصی به نام حشمت علوی نوشته شده بود؛ فردی با بیش از ۵۲ هزار دنبال‌کننده در توئیتر که چندی پیش مشخص شد وجود خارجی ندارد و حسن حیرانی، از

دوربین سنگی

دیوید از کودکان مهاجری است که در گوشه‌ای از این دنیا آرزوی نه چندان بزرگی دارد. او می‌خواهد عکاس خبری شود پس دوربین خودش را ساخته است. پناهندگانی شبیه او باید شانس این را داشته باشند تا دستان‌هایشان را برای دیگر مردم دنیا تعریف کنند.

زیر آسمان جهان

